

تحلیلی بر رانت و عملکرد رانتیرسیم در ایران

رسول یعقوبی^۱، ناصر قادری^۲

^۱ دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد تبریز

^۲ دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تبریز

نویسنده مسئول:

رسول یعقوبی

شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۳۱-۲۲
مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال هفتم)

چکیده

اقتصاد سیاسی کشورهای نفت خیز منطقه خاورمیانه مخصوصا کشورهای حوزه خلیج فارس به طرز چشمگیری با متغیری به نام انرژی پیوند خورده است به عبارت بهتر خلیج فارس بیش از هر عبارتی به نام انرژی ترجمه می شود و این متغیر نقش بی بدیل مفهوم رانت در شکل بندی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منطقه ایفا می کند. در کشور ما هم درآمدهای نفتی تاثیر به سزایی هم در عرصه های داخلی بر حیات اجتماعی و اقتصادی دارد و هم در عرصه خارجی بر چگونگی روابط ایران با کشورهای دیگر در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تاثیر می گذارد. قدرت چانه زنی ایران نیز تا حد زیادی تحت تاثیر همین عامل است متاسفانه باید اذعان نمود که اگر نفت را از عرصه های ملی حذف نماییم تمام ارکان حیات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی شدیداً تحت الشعاع آن قرار می گیرد به عبارتی صریح تر، امنیت اقتصادی، اجتماعی و حتی دیدگاهی فراتر امنیت و ثبات سیاسی کشور تحت تاثیر درآمدهای نفتی و به عبارتی اقتصاد نفتی می باشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی، کشورهای حوزه خلیج فارس، نفت، امنیت

مقدمه

نفت از نظر ارزش مهم ترین کالایی است که در سطح بین المللی مورد تجارت واقع می شود به عبارت دیگر با ۲۵۰ میلیارد دلار ارزش صادرات نفت ماده خام ۱۰ درصد تجارت جهانی هست. نفت ۴۰ درصد سوخت مصرف در سطح جهان را تشکیل می دهد و اساس صنعت و شاهرگ حیاتی حمل و نقل و تار بود جنگ می باشد.

بررسی ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس مبین وابستگی اقتصادی شدید این کشورها به نفت و تقویت مالی دولت و نیز ایمان و کنترل دولت بر سایر بخش ها به واسطه تاثیر مستقیم درآمدهای نفتی است نفت کالایی استراتژیک است و مانند هر کالایی استراتژیک دیگر می تواند در طرح های استراتژیک نظامی دادگاه ویژه ای داشته باشد نفت برای کشورهای صادرکننده جهان سوم ماده پر اهمیتی است که برای رفاه و رشد اقتصادی و توسعه و ثبات سیاسی کشورهای مزبور مهم است از این روست که مسائلی را پدید می آورد که به خارج از مرزهای یک کشور دسترسی می یابد نفت از عواملی است که نشان می دهد که ما در جهان مبتنی بر وابستگی متقابل زندگی می کنیم . جهتی را که یک دولت انتخاب می کند و در آن از خود تحرک نشان می دهد و نیز شیوه نگرش دولت نسبت به جامعه بین الملل را سیاست خارجی گویند. دولت ها بازیگران اصلی سیاست خارجی هستند و جهت گیری ها و اهداف و منافع آنها در چارچوب سیاست خارجی مورد مطالعه قرار می گیرد. قدرت و عناصر تشکیل دهنده آن (ایدئولوژی، میزان جمعیت، ویژگی های ملی، روحیه ملی، یکپارچگی اجتماعی، رهبری، شکل حکومت، عوامل جغرافیایی، عوامل نظامی، اقتصادی و غیره)، کمی و کیفی داده های سیاست خارجی و در جهت گیری تعیین هدف و حوزه منافع ملی دارای نقش موثری هست و در روند سیاست گذاری عوامل داخلی و هم عوامل بین المللی را در نظر گرفت و آنچه مسلم است این است که داده های سیاست خارجی تحت تاثیر متغیرهای گوناگون شکل می گیرد و اهمیت هر یک از متغیرهای مزبور در شرایط و مقتضیات مختلف جغرافیایی است و تصمیمات سیاست خارجی در بسیاری از موارد محصول تجربه تاریخی اعتقاد سیاسی ایدئولوژیک و ژئوپلتیکی و کارکرد نظام بین الملل است همچنین در مورد سیاست خارجی اظهار می دارد قدرت جنگ و صلح اتحادیه و اتفاق ها و همه مبادلات ایران متحد ضرورت در صلاحیت تصمیم گیری افراد دیگر را می گیرد که مسئولیت انجام امور عمومی به عهده آنهاست. (بایر و اسمیت، ۱۳۸۸، ۵۴-۱۹۰) بسیاری از تحلیلگران معتقدند که صنایع عمده جهان و اقتصاد غرب همچون گذشته به نفت وابسته خواهد بود به ویژه اینکه ذخایر بیشتری کشورهای صادر کننده نفت در خارج از حوزه خلیج فارس به تدریج رو به اتمام است در حالی که تخمین در مورد زمان اتمام منابع نفتی به نظر ثابت است ولی تقریباً همگی متفق القول اند که در آینده نفت خلیج فارس بیش از پیش در مقیاس کلی در عرضه نفت در بازارهای جهانی اهمیت پیدا خواهد کرد . (میر ترابی، ۱۳۹۴: ۹۵) از نظر نظامی هم باید گفت قدرت نظامی با نفت ارتباط دو جانبه دارد از یک سو که از مهمترین مواد سوختی و ازسوی دیگر به دلیل کاربرد نظامی برای دفع تجاوز و حفظ منابع انرژی مورد استفاده قرار می گیرد که این اهمیت نفت را برای کشورها دوچندان می کند و در روابط کشورها تاثیر خیلی مهمی دارد با توجه به اینکه در اقتصاد جهانی و پرداخت های بین المللی و در سیستم تجارت بین المللی در سیاست بین الملل همواره در شکل های مختلف رقابت جهانی کسب امنیت، قدرت، حیثیت و ثروت در ارتباط بوده و به طور چشمگیری ماهیت رقابت ها را تغییر داده است لذا این تحقیق در پی آن است که موضوع تاثیر رانت و عملکرد رانتیرسم در دولت ایران را بررسی کند و پاسخ دهد که رانت و رانتیرسم چه تاثیری بر دولت ایران داشته است ؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع علی هست که طی آن روابط علت و معلولی میان متغیرهای مستقل و وابسته مورد سنجش قرار می گیرد اقتصاد نفتی یا همان درآمدهای نفتی ایران متغیر مستقل و تاثیرات آن متغیر وابسته هست جمع آوری اطلاعات از منابع کتابخانه ای و در صورت امکان و مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران استفاده شده است روش ابزار گردآوری اطلاعات فیش برداری از منابع کتابخانه اینترنت و مصاحبه بوده است.

مبانی نظری

مفهوم رانت

مفهوم رانت را اقتصاددان هایی همچون ریکاردو و آدام اسمیت در اقتصاد مطرح کردند. آدام اسمیت بیان کرد که درآمد حاصل از یک فعالیت به سه دسته سود، دستمزد و رانت تقسیم می شود. اسمیت معتقد بود که سود به صاحب سرمایه می رسد، چراکه سرمایه اش را به مخاطره انداخته است. دستمزد نیز نصیب نیروی کار می شود، به دلیل اینکه نقش پررنگی در پروسه تولید و عرضه کالا یا خدمت ایفا می کند. به عقیده آدام اسمیت، در نهایت چیزی که بعد از پرداخت دستمزد و سود باقی می ماند، رانت به حساب می آید. (طیبیان، ۱۳۷۱، ۳) ریکاردو، یکی دیگر از نظریه پردازان اقتصاد کلاسیک، رانت را بازدهی منبع (زمین) اضافه بر آنچه که برای بکارگیری آن لازم است می داند

بنابراین آنچه می توان گفت رانت درآمد و درواقع جایزه ای است که از مالکیت منابع طبیعی ناشی می شود و این درآمد بدون تلاش بدست می آید و در برابر مفاهیمی همچون دستمزد و سود قرار می گیرد. همین تعریف در خصوص رانتی که از صادرات نفت نصیب دولت های موجود در کشورهای نفت خیز می شود نیز صادق است. (میرترابی، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

دولت رانتیر و ویژگی های آن

به طور خلاصه می توان گفت هر دولتی که قسمت عمده ی درآمد خود را از منابع خارجی و به شکل رانت دریافت کند، دولت رانتیر نامیده می شود. (حاجی یوسفی، ۱۳۷۶: ۱۵۳) اما دقیق ترین و کامل ترین تعریف دولت رانتیر در کتابی تحت عنوان دولت رانتیر که نوشته ی حازم ببلای است، مطرح شده است. بر اساس این تعریف دولت رانتیر دولتی است که مقادیر قابل توجهی از رانت های خارجی را به شکل منظم دریافت می دارد. در این کتاب آستانه ی ۴۲ درصدی برای درآمدهای دولت رانتیر در نظر گرفته شده است. بدین معنا که هر دولتی که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمدش از رانت خارجی باشد، دولت رانتیر قلمداد می شود. (حاجی یوسفی، ۱۳۷۷: ۹۲) ببلای علاوه بر این ویژگی، شرایط زیر را برای دولت رانتیر بر می شمارد:

۱. رانت باید از خارج کشور تأمین شود. به عبارتی دیگر، رانت هیچ گونه ارتباطی با فرایندهای تولید در اقتصاد داخلی کشور ندارد.
۲. در یک دولت رانتیر، تنها درصد بسیار کمی از نیروی کار درگیر تولید رانت هستند و بنابراین اکثر افراد جامعه دریافت کننده و توزیع کننده ی رانت می باشند.
۳. دولت رانتیر، دریافت کننده ی اصلی رانت خارجی است و در هزینه کردن آن نقش اساسی ایفا می کند. (نصیری، ۱۳۹۰: ۱۸۳) با توجه به ویژگی های فوق، اکثر کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت را می توان دولت های رانتیر نامید، چون رانت خارجی در این کشورها مستقیماً به خزانه ی دولت سرازیر می شود و سهم آن در درآمدهای دولت بیش از ۴۲ درصد می باشد. دولت رانتیر، به عنوان دولت های مداخله گر در اقتصاد داخلی مطرح هستند و از دو طریق عمده در اقتصاد مداخله می نمایند:
 ۱. هزینه کردن مقادیر عظیمی از درآمدهای خودشان در تولید ناخالص داخلی.
 ۲. سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی که این دولت ها را به عنوان مهمترین سرمایه گذار در اقتصاد مطرح کرده است. (شکاری، ۱۳۷۹: ۳۹)

اقتصاد سیاسی در دولت رانتیر

طرح مفهوم دولت رانتیر در رویکرد اقتصاد سیاسی اساساً در چارچوب تلاش برای رفع نارسایی های مربوط به رویکردهای مارکسیستی و وابستگی در تشریح علل توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم صورت گرفته است در رویکرد مارکسیستی دولت، ابزار سلطه طبقه متوسط قلمداد می شود و در رویکرد وابستگی نیز عمدتاً ائتلافی از نخبگان و طبقات حاکم که پیوندهای عمیق با سرمایه های خارجی دارند در تشریح ماهیت دولت مورد توجه قرار می گیرد بنابراین هر دوی اینها تا نوعی وابستگی و ماهیت ثانوی برای دولت در نظر گرفته می شود رویکرد دولت رانتیر نیز همین وابستگی را مد نظر قرار می دهد اما در تشریح این وابستگی به منبع درآمدی دولت توجه می کند. همانطور که دو تن از نظریه پردازان عمده دولت رانتیر یعنی احازم ببلای و جیاکومولوسواتی اظهار می دارند؛ پیشنهاد مفهوم دولت رانتیر تلاشی است برای طرح یک نوآوری نسبت به سنت مارکسیستی و رهیافت وابستگی بدین نتیجه مفهوم رانتیر توجه ما را به ساختار مالی عمومی و نه صرفاً روابط طبقاتی با پیوند های اقتصادی خارجی دولت معطوف می سازد؛ بنابراین هر چند شرایط اقتصادی ممکن است نتواند تمام جنبه های رفتار دولت را تبیین کند اما ماهیت منابع درآمدی دولت برای قواعد اساسی زندگی سیاسی در جامعه تاثیر می گذارد علاوه بر این کاربرد مفهوم رانتیر باعث می شود به اهمیت توانایی استخراج درآمد و تاثیر آن روی ائتلاف سازی در ساختار دولت توجه کنیم چنین توجهی نشان می دهد که دولت هایی که وابسته به رانت هستند تفاوت اساسی با دولت هایی دارند که برای کسب درآمد به مالیات گیری می پردازند این تفاوت بارز و عمده به ویژه در دولت های کشورهای در حال توسعه که به درآمدهای عمده نفتی دسترسی دارند؛ قابل مشاهده است. (نصیری، ۱۳۸۰: ۱۸۲)

تأثیرات و پیامدهای رانت

تأثیرات رانت در یک جامعه را از سه جنبه می‌توان مورد بررسی قرار داد:

الف: پیامد رانتیسم بر اقتصاد

۱. رشد روحیه رانتی در اقتصاد و جامعه

غالب نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که در شرایط وجود امکان کسب درآمد از طریق رانت، استعدادهای جامعه به جای نوآوری و خلاقیت و فعالیت مولد به سوی کسب درآمدهای آسان جذب شده و این امر سبب تخصیص استعدادهای کشور از فعالیتهای مفید به فعالیتهای مربوط به جستجو و کسب رانت می‌شود. در این شرایط، به علت صرف استعدادهای کشور در کارهای غیر تولیدی از رشد واقعی محروم خواهد شد. ویژگی عمده‌ی روحیه رانتی این است که در این حال، دیگر کار و کوشش علت ثروتمند شدن نیست بلکه شانس و تصادف است که ثروت می‌افزاید. به عبارت دیگر، در چنین وضعیتی درآمدهای افراد بستگی به کار و فعالیت تولیدی ندارد، بلکه بیشتر به شانس و موقعیت آنها در ساختار بوروکراسی دولتی بستگی دارد. (طیبیان، ۱۳۷۱: ۱۴۷)

۲. اقتصاد مصرفی

دولتی که به مقدار وسیع از رانت برخوردار می‌شود، اقدام به واردات عظیم کالاهای مصرفی و تجملی می‌نماید. ویژگی بارز اقتصاد این نوع جوامع، مصرف زیاد کالاها در قبال تولید کم در جامعه است. چون یکی از مهمترین اهرم‌های حفظ مشروعیت دولت تأمین نیازهای مادی جامعه می‌باشد، بر واردات کالاهای مصرفی تأکید فراوانی می‌کند. در چنین شرایطی چون از طرف دولت، تأکیدی برای گسترش صنایع و توسعه‌ی صنعتی وجود ندارد، جامعه به صورت مصرف‌کننده‌ی کالاها و خدمات درمی‌آید و فعالیت‌ها اساساً غیر مولد و غیر اقتصادی‌اند و بخشی از سرمایه‌های جامعه نیز در مسیرهای غلط به هدر خواهد رفت. (خضری، ۱۳۸۰: ۱۳)

۳. گسترش بخش عمومی اقتصاد

دولت رانتهایی را که دریافت می‌کند، در اقتصاد داخلی هزینه می‌کند و در حقیقت به‌عنوان سرمایه‌گذاری‌های کلان در اقتصاد داخلی، با ارائه خدمات رایگان یا ارزان قیمت باعث افزایش هزینه‌های دولتی می‌گردد. در این حالت دولت در اقتصاد دارای یک نقش اساسی در حرکت چرخ‌های اقتصادی می‌باشد. (شکاری، ۱۳۷۹: ۳۸)

۴. اخلاخ در برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی

دولت رانتیر به‌طور انحصاری رانت را دریافت و آن را هزینه می‌کند. همین امر سبب می‌شود دولت بدون مشورت با گروه‌های اجتماعی و بدون در نظر گرفتن مسائلی همچون کارایی و بازدهی اقتصادی، برنامه‌های خود را به اجرا درآورد. در چنین فضایی دولت‌های رانتیر بر اساس تجربه‌ی تاریخی، به سیاست‌های مبتنی بر جایگزینی واردات روی می‌آورند. در نتیجه گسترش صنایع با هدف افزایش تولیدات داخلی و کاهش واردات مدنظر قرار می‌گیرد. اما مشکل اینجاست که معمولاً صنایعی که در چنین شرایطی پدید می‌آیند، از کارایی و انعطاف‌پذیری لازم برخوردار نیستند و به سبب پایین بودن کیفیت محصولات این صنایع، تولیدات آنها تنها در بازار داخلی قابل فروش است. همچنین دولت‌های رانتیر به‌طور عمده به توسعه‌ی تولیدات کشاورزی بی‌توجهی و در عوض سعی می‌کنند نیازهای این بخش را از طریق واردات تأمین کنند. نتیجه‌ی نهایی چنین سیاست‌هایی تضعیف بخش کشاورزی و پایه‌گذاری صنایع ناکارآمد است. (کردزاده کرمانی، ۱۳۸۰: ۵۳)

ب: تأثیرات رانت بر روی اجتماع و گروه‌های اجتماعی

۱. تضعیف گروه‌های اجتماعی: همایون کاتوزیان اعتقاد دارد که در یک دولت رانتیر برخورداری از رانت، سه گروه اجتماعی عمده را می‌توان از هم تشخیص داد:

الف: گروه‌های تحت‌الحمایگان دولت که بزرگ‌ترین منافع و مزایا را از رانت دریافت می‌کنند.

ب: توده‌ی جمعیت شهری که این گروه هم از آثار افزایش هزینه‌های دولتی بر اقتصاد داخلی نفع بسیار می‌برند.

ج: جمعیت روستایی که این گروه کم‌ترین میزان دریافت را از رانت‌ها دارا می‌باشند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۹۵)

بحث وضعیت گروه‌ها و طبقات اجتماعی در یک دولت رانتیر بستگی زیادی به استقلال دولت از جامعه و کسب درآمدهای کلان رانتهی توسط دولت دارد. استقلال دولت از جامعه، آن را در خارج از نفوذ گروه‌های اجتماعی قرار می‌دهد. در این حالت، بخش خصوصی اقتصاد داخلی از طریق هزینه کردن درآمدهای رانتهی توسط دولت به آن وابسته می‌شود. به این ترتیب دولت به تنها سرچشمه‌ی قدرت اقتصادی و اجتماعی تبدیل می‌شود. بنابراین در یک دولت رانتیر، گروه‌ها و طبقات اجتماعی به دلیل فقدان یا ضعف منابع مستقل از دولت، به دولت وابسته می‌گردند و در چنین شرایطی نمی‌توانند با دولت به چالش بپردازند.

۲. رشد بوروکراسی: عمده‌ترین وظیفه‌ی یک دولت رانتیر، توزیع رانت در میان طبقات و گروه‌های اجتماعی در جهت کسب مشروعیت و حفظ ثبات سیاسی است. یک دولت رانتیر برای انجام چنین وظیفه‌ای ناچار از گسترش سیستم بوروکراسی دولتی است. از طرف دیگر،

توسعه‌ی بوروکراسی به‌عنوان وسیله‌ای برای اشتغال مطرح است. این کار هم به نوبه‌ی خود باعث افزایش مشروعیت دولت می‌گردد. (شکاری، ۱۳۷۹: ۳۵)

ج: پیامدهای رانت بر ساختارهای داخلی جامعه

۱. افزایش استقلال دولت از جامعه

دولت رانتیر در مسیر کسب رانت استقلال فنی و اقتصادی از جامعه دارد و همین امر سبب جدا شدن بدنه دولت از جامعه می‌شود و استقلال اجتماعی دولت را نیز به همراه می‌آورد. ماهیت دولت رانتیر به‌گونه‌ای است که در آن جامعه وزنه‌ی قابل اعتنایی به‌شمار نمی‌رود چرا که دولت در سایه‌ی دریافت رانت‌ها از خارج (نفت یا هر ماده‌ی خام دیگر) دیگر به منابع داخلی درآمد (مالیات‌ها، عوارض و صدور کالاهای صنعتی و...) احساس نیاز نمی‌کند این استقلال دولت آثار بزرگی را در جامعه بر جا می‌گذارد. (میرترابی، ۱۳۸۴: ۱۱۶)

۲. بی‌نیازی دولت از ایجاد دموکراسی و مانع گذاشتن در مسیر توسعه‌ی سیاسی

یکی از پیامدهای مهم استقلال به نوبه‌ی خود باعث می‌شود دولت قدرت انحصاری کسب کند و نیازی به دخالت دادن گروه‌ها و طبقات مختلف در قدرت نبیند. (بشریه، ۱۳۸۲: ۵۴) وابستگی زیاد یک دولت به رانت باعث کاسته شدن فشار مالی دولت بر جامعه می‌شود زیرا دولت هیچ‌گونه مالیاتی از جامعه دریافت نمی‌کند، و یا اگر مالیات اخذ می‌کند مقدار آن ناچیز است. در چنین شرایطی دولت به‌علت عدم دریافت مالیات از جامعه، نیازی به اعطای دموکراسی نمی‌بیند. با تمرکز قدرت در دست دولت، امکان توسعه‌ی سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی بر سر کسب قدرت و نهایتاً توسعه‌ی سیاسی و استقرار دموکراسی از جامعه سلب می‌شود. همچنین در شرایطی که منابع عمده‌ی قدرت در دست دولت متمرکز می‌شود و گروه‌های اجتماعی عملاً از توان لازم برای ایجاد چالش در مقابل دولت برخوردار نیستند، ساز و کار نظارت اجتماعی از جانب جامعه و پاسخگویی از جانب دولت مختل می‌شود. در چنین فضایی امکان استقرار نهادها و رویه‌های دموکراتیک در زمینه‌ی اداره‌ی امور فراهم نخواهد شد. (میرترابی، ۱۳۷۶: ۱۱۷)

۳. تضعیف توان استخراجی و باز توزیعی دولت

یکی از معیارهای سنجش میزان کارایی یک نظام سیاسی بررسی توان استخراج و توزیع مجدد منابع در داخل جامعه است. دولت‌های رانتیر نه تنها در زمینه توان پاسخ‌گویی به جامعه ضعیف هستند؛ بلکه در خصوص استخراج و باز توزیع صحیح منابع در داخل جامعه نیز ناکارآمدند. (همان، ۱۱۸). در ادبیات سیاسی به‌ویژه در چارچوب نظریات مبتنی بر کارکردگرایی، نظام سیاسی به‌عنوان یکی از خرده نظام‌های اجتماعی کارویژه‌های خاصی را بر عهده دارد که از جمله آنها، کارویژه‌ی استخراج منابع از داخل جامعه و توزیع مجدد آنهاست. بحث استخراج، هم منابع مادی همچون مالیات و هم منابع انسانی همچون به کارگیری مهارت‌ها و توانائی‌های گروه‌های اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد. بر اساس این تحلیل، یکی از معیارهای عمده‌ی سنجش میزان کارایی یک نظام سیاسی، بررسی توان استخراجی و توزیع مجدد منابع در داخل جامعه است (توحید فام، ۱۳۸۲: ۱۱۰) دولت‌های رانتیر نه تنها در زمینه‌ی توان پاسخگویی به جامعه ضعیف هستند بلکه در خصوص استخراج و باز توزیع صحیح منابع در داخل نیز ناکارآمدند. این ضعف در عرصه‌ی سیاسی، رویه‌های دموکراتیک اداره‌ی امور را مختل می‌کند. در عرصه‌ی اجتماعی به نابرابری‌های اجتماعی دامن می‌زند و در عرصه‌ی اقتصادی نیز سبب پی‌گیری سیاست‌های اقتصادی غیر کارآمد توسط دولت خواهد شد. (میرترابی، ۱۳۷۶: ۱۱۸)

۴. تبدیل شدن دولت به توزیع‌کننده‌ی رانت

دولت در چنین حالتی، اساسی‌ترین نقش را در توزیع ثروت در میان مردم ایفا می‌کند. این دولت همان دولت تخصیصی است که نظریه‌پردازان به‌علت اهمیت ویژگی توزیعی این‌گونه دولت‌ها به آنها دولت‌های تخصیصی می‌گویند و آن‌را در مقابل دولت‌های تولیدی قرار می‌دهند. (شکاری، ۱۳۷۹: ۳۳) در چنین حالتی کل نظام سیاسی و اجتماعی به میزان و چگونگی تخصیص هزینه‌های دولت وابستگی پیدا می‌کنند. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

پیامدهای عملکرد دولت رانتیر

درآمدهای ثابت نفتی به خودی خود، می‌تواند منبع قدرت باشد؛ به شرط این که این درآمدها ثروتی ملی تلقی شوند و نه صرفاً عایداتی اقتصادی که سالانه در سبد دولت قرار می‌گیرد. پس از گذشت حدود ۹۰ سال از کشف نفت در ایران، ملاحظه‌ای عمیق‌گویای پیامدهای ناگوار است که علت اصلی آن درآمدهای نفتی و تبعات ساخت دولت تحویلدار بوده است؛ بخشی از این پیامدها بدین قرار می‌باشد:

- تبدیل دولت به قدرت بی‌بدیل
- دگرگونی قشربندی اجتماعی

- مصرف زدگی و سرمایه گذاری وابسته
- قربانی شدن دمکراسی (Skocpol, 1982:61)
- ضعف کارآمدی
- تغییر شکل تقابل و افزایش چشمگیر هزینه آن. (نصیری، ۱۳۸۰: ۹۵)

ظهور دولت های رانتیر نفتی در ایران

دولت های رانتیر، اساسا در جوامعی ظاهر شده اند که پیش از دستیابی به ثروت انبوه نفت، جوامعی فقیر و توسعه نیافته محسوب می شدند. در این جوامع، ثروت نفت، بدون برنامه ریزی صحیح به صورتی غیر منتظره در اختیار دولت قرار گرفته و بر اثر آن دولت برای تامین مخارج و هزینه های خود، به تدریج اتکای بیشتری به پول نفت پیدا کرده و در عین حال به مجری برنامه های توسعه و تبدیل شده است. بنابراین گفت رانتیریسیم دولتی، مختص جوامعی است که پیش از توسعه یافتگی، به ثروت نفت دست پیدا کرده اند. در حالیکه جوامعی همچون نروژ که پیش از کشف نفت، مراحل توسعه طی شده بود، ورود رانتیریسیم درآمدهای نفتی ساختار رانتیریسیم را ایجاد نکرد.

تجربه کشورهایی که در مراحل اولیه توسعه به ثروت های نفتی دست پیدا کرده اند حاکی از آن است که ثروت عظیم نفت، عملا اختلال شدیدی را در پی گیری صحیح برنامه های توسعه پدید آورده است. به همین علت متاسفانه نمونه ای از کشورهای رانتیر نفتی در سطح جهان یافت نمی شود که مراحل توسعه همه جانبه را با موفقیت طی کرده باشد. همه کشورهای رانتیر نفتی در اصطلاح بد توسعه یافته به حساب می آیند. بدین معنا که ثروت نفتی به ایجاد برخی ساختارهای زیربنایی اقتصادی و افزایش سطح رفاه عموم جامعه کمک کرده است اما توسعه همه جانبه و متکی به نیروهای مولد در داخل کشورهای پدید نیامده است. به همین علت است که تا زمان استمرار ساختارهای رانتیریسیم در یک کشور، در خصوص امکان دستیابی به توسعه همه جانبه و مستمر تردید اساسی وجود دارد. به علاوه در ساختارهای رانتیریسیم، به تدریج روندهایی شکل می گیرد که استمرار های این ساختارها را تهدید می کند. به طور کلی می توان گفت روندهای مربوط به افزایش سریع جمعیت، کاهش بهای واقعی نفت در بازارهای جهانی، کاهش منابع و ذخایر نفتی کشور و افزایش فزاینده مصرف نفت در داخل، بر ساختارهای رانتیریسیم به شدت فشار وارد می کند و سبب تضعیف این ساختارها در طول زمان می شوند. البته تضعیف ساختارهای رانتیریسیم در هر کشور به عوامل منطقه ای همچون میزان جمعیت حجم ذخایر، سقف تولید و صادرات نفت، شرایط سیاسی داخلی و منطقه ای و عواملی از این قبیل بستگی دارد.

بنابراین می توان گفت ساختارهای رانتیریسیم در جوامع مختلف، ساختارهایی پایدار و همیشگی نیستند و در طول زمان دچار افول خواهند شد. اما با توجه به عوامل تاثیر گذار بر این ساختارهایی همه جوامع الگوهای یکسانی را در زمینه افول این ساختارها تجربه نخواهند کرد. بدین ترتیب سناریو های متفاوتی را می توان برای ظهور و افول ساختارهای رانتیریسیم برای کشورهای مختلف در نظر گرفت. باید توجه داشت که افول ساختار رانتیریسیم به معنای بر چیده شدن فوری این ساختارها در جامعه نیست بلکه این امر کاملا محتمل است که مرحله اول ساختارهای افول رانتیریسیم در کشور در چند دهه طول انجامید. (میرتربایی، ۱۳۸۴: ۱۳۴-۱۳۶)

در خصوص دولت رانتیر در ایران نیز باید گفت که هر چند از آغاز کشف نفت و قراردادهای نفتی در ایران بیش از یک قرن می گذرد. (فاتح ۱۳۳۵: ۴۱) لکن عایدات حاصل از آن تا قبل از قرارداد کنسرسیوم چندان قابل توجه نبود. بر اساس قرارداد کنسرسیوم سهم ایران در ابتدا و بر اساس اصل تنصیف ۵۰ درصد و سپس از سال ۱۹۵۷ به ۶۰ درصد رسید (Mikdashi, 1966:221-224) علاوه بر مقداشی، افرادی چون چارلز عیسوی، جولیان باری، حسین مهدوی و تدا اسکاچپول نیز در بررسیهای خود وابستگی به درآمدهای نفتی و گذار دولت به سمت رانتیر شدن در دوره پهلوی را نشان داده اند. مضافا اینکه بررسی برنامه های عمرانی قبل از انقلاب نیز افزایش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و رانتیر بودن دولت را تأیید می کنند. برای نمونه، در طول برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۷ - ۱۳۵۱)، سهم درآمدهای دولت، ناشی از فروش نفت، از کل درآمدها از ۴۸/۵ درصد به ۵۸ درصد رسیده است. (نبلی و کریمی، ۱۳۹۶: ۱۹۶) در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲ - ۱۳۵۶) نیز، سهم هریک از اجزای درآمدی دولت به صورت ۷۶/۷ درصد از درآمد نفت، ۱۹/۴ درصد از درآمدهای مالیاتی و ۳/۹ درصد از سایر درآمدها بوده است (همان، ۲۶۸) بر این اساس، میتوان گفت که قرارداد کنسرسیوم و وابستگی به درآمدهای نفتی سبب گردید که دولت پهلوی دوم به یک دولت رانتیر تبدیل گردد. (غفاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۵)

در دولت پهلوی دوم، علاوه بر افزایش حجم بودجه عمومی دولت (به عنوان اولین مولفه دخیل در بزرگ شدن اندازه دولت در اقتصاد) که نتیجه منطقی دولت رانتیر و قرار دادن پول نفت در بودجه است، کشور شاهد افزایش مقررات گذاری (به عنوان دومین مؤلفه دخیل در بزرگ شدن اندازه دولت) نیز بوده است. از مهمترین نتایج افزایش مقررات گذاری در این دوره، که تاکنون هم در کشور به صورت یک رویه ادامه دارد، می توان به استفاده از برنامه های جامع توسعه به جای برنامه های ارشادی و نیز در استراتژی توسعه دولت محور پهلوی دوم اشاره کرد. این استراتژی توسعه ای با محور قرار دادن دولت نفتی و ویژگی هایی چون تأکید بر رشد حداکثری، صنعتی شدن، کمک فنی

خارجی (Pesaran, 1985:18) و عدم وابستگی به بخش کشاورزی (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۳۵۳) دخالت دولت و بزرگ شدن اندازه آن در اقتصاد را موجب گردید (کارشناس، ۱۳۸۲: ۱۳۵). در مجموع می توان گفت که دولت از طریق دو مؤلفه افزایش حجم بودجه عمومی دولت و افزایش مقررات گذاری سبب افزایش اندازه دولت در اقتصاد گردید. در دولت رانتیر پهلوی دوم، تنها سومین مؤلفه مؤثر در بزرگ شدن اندازه دولت در اقتصاد یعنی تمایل قانون به سمت مالکیت دولتی کمرنگ بوده است که این موضوع به سبب وابستگی نظری و ایدئولوژیک این دولت به اردوگاه راست سرمایه داری بوده است. در واقع هرچند در این دولت، اندازه دولت و دخالت آن در اقتصاد زیاد بود لکن بخش خصوصی نیز، هرچند محدود و وابسته به دربار، بر اساس قوانین کشور در عرصه اقتصاد فعالیت داشت که به عنوان مثال می توان از بانک توسعه صنعت و معدن نام برد. این بانک که اولین بانک توسعه ای خصوصی در کشور به شمار می آمد، در سال ۱۳۳۸ با سرمایه ۴۰۰ میلیون ریال، به صورت شرکت سهامی عام، تأسیس گردید. حدود ۸۷٪ سهام این بانک به افراد و مؤسسات ایرانی و ۱۳٪ متعلق به ۱۹ بانک و مؤسسه خارجی بود با پیروزی انقلاب اسلامی و تصویب قانون اساسی جدید و متمایل به مالکیت دولتی، افزایش دخالت دولت در اقتصاد ایران تشدید و وارد مرحله جدیدی گردید که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. (غفاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۶)

کارکرد دولت رانتیر پس از انقلاب اسلامی ایران

دولت ایران پس از انقلاب هم در زمره دولت های رانتیر قابل مطالعه است. البته اطلاق عنوان رانتیر برای دولت های پس از انقلاب به مفهوم یکسان انگاری آنها با دولت های پیش از آن نیست و در این زمینه پیشرفت های محسوسی حاصل شده است که نباید منکر آنها بود. همین که در طول ۲۰ سال گذشته حدود ۲۰ انتخابات گسترده انجام پذیرفته حاکی از مشی دمکراتیک نظام دارد. ضمن قبول این دستاورد مهم، از حیث ساختاری باید گفت که ساخت رانتیر دولت همچنان مزاحم توسعه پایدار بوده است. (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۹۲) تقسیم بندی متعارفی که برخی محققان تبیین کرده اند در این زمینه راهگشاست. به اعتقاد این پژوهشگران، دو دهه ای را که از وقوع انقلاب اسلامی می گذرد می توان در قالب سه دوره متمایز تفکیک نمود: (ولی پور، ۱۳۷۷: ۷۸-۶۲)

- دوران مدیریتی بسط محور از طریق اسلامیزه کردن جامعه و به حاکمیت رساندن دین در جامعه.

- دوران مدیریتی حفظ محور از طریق مدیریت بحران به شیوه تجربی آزمون و خطا در نظام و موقعیت جدید و بحرانی ناشی از جنگ تحمیلی.

- دوران مدیریتی رشد محور از طریق رواج مدیریت عملی - عرفی و کوشش برای اکتساب قدرت و مازاد ملی.

در دوران اول، انقلاب ایران نیز بسان انقلاب های دیگر، آرمان خواهی، گسترش جویی، اصول گرایی، استقلال و امنیت جامع و فراملی را چونان سرمشقی اساسی انتخاب کرده و براساس آن تصمیم گیری می نماید. در گفتمان دوم (حفظ محور) ضمن پیروی از اصول کلی انقلاب، بسیاری از محدودیتهای ناشی از جنگ انعطاف پذیری در برخی دیدگاه های امنیتی پذیرفته می شود و حفظ تمامیت ارضی و حفاظت فیزیکی کشور اولویت جدی می یابد و نظریه "ام القری" (اولویت ام القری نسبت به منافع کلی بلاد اسلامی) بدین منظور پرداخته می شود. سرانجام در گفتمان سوم (رشد محور) که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، بازنگری در قانون اساسی و تمرکز قدرت قوه مجریه، به مثابه مشی عملی دولت انتخاب گردید، تلاش می شود با محوریت بخشیدن به سازندگی اقتصادی، ضمن ترمیم خسارات ناشی از جنگ تحمیلی از داشته ها و ظرفیتهای ملی برای تأمین امنیت پایدار بهره برداری شود. گفتمان رشد محور پس از گذشت یک دهه نشان داد که در تأمین و تدارک توسعه و امنیت مورد نیاز اجتماعی چندان موفق نبوده است. (Gawdat, 1998: 22).

افول رانتیرسم نفتی در ایران

با پیروزی انقلاب دوره اوج گیری رانتیرسم در ایران متوقف شد و در پی آن با بروز جنگ و کاهش شدید تولید و بهای نفت دوره افول ساختار رانتیرسم در ایران فرا رسید که به نظر می رسد این دوره همچنان ادامه دارد.

در صورتی که منحنی زمانی ظهور اوج گیری و افول رانتیرسم را درباره کشورهای نفتی حوزه خلیج فارس را مورد بررسی قرار دهیم می توان گفت دوره ظهور رانتیرسم در این کشورها همزمان یا پس از ایران فرا رسید. با این حال دوره افول رانتیرسم در این جوامع دیرتر آغازتر شد. چرا که دولت این کشورها از افزایش بهای نفت به واسطه بروز انقلاب در ایران درآمدهای بیشتری در مقایسه با قبل پیدا کرده اند. با این حال به نظر می رسد در پی کاهش تدریجی بهای نفت دوره افول ساختارهای رانتیر در جوامع آغاز شده است. کاهش قیمت واقعی نفت، افزایش شدید جمعیت و کاهش سقف تولید در سال های بعد هم عملاً فشارهای زیادی را بر ساختارهای رانتیرسم وارد کرده است. (میر ترابی، ۱۳۸۴: ۱۳۶)

دولت های رانتیر محافظه کار ، دولت های رانتیر انقلابی

یکی از بحث های بسیار مهمی که در ارتباط میان نفت و سیاست خارجی باید در نظر گرفت این است که درآمدهای نفتی در همه کشورهای صادر کننده نفت آثار مشابهی بر سیاست خارجی بر جای نمی گذارند. در واقع آثار درآمدهای نفتی بر سیاست خارجی کشورهای صادر کننده نفت پس از عبور از صافی مربوط به شرایط خاص نظام سیاسی هر کشور، اعمال می شود . بدین ترتیب می توان گفت در مجموع دولت های رانتیر به واسطه ساختارهای خاص خود، استقلال عملی بالایی در تعیین خط مشی سیاست خارجی خود دارند، اما تجلیات این سیاست خارجی مستقل از مقتضیات و نیازهای داخل، ممکن است به گونه ای متفاوت ظاهر شود در آن ارتباط کشورهای صادر کننده نفت در خاورمیانه را ممکن است به دو دسته دولت های محافظه کار و انقلابی تقسیم کرد. (Barro, 1999:160)

نتیجه گیری

دولت های نفتی چه از نوع محافظه کار و از نوع انقلابی در عرصه سیاست خارجی با تکیه بر درآمدهای نفتی، سیاست خارجی کمابیش مستقل از شرایط و مقتضیات داخلی خود در پیش گرفتند. این امر ناشی از ساختار خاص رانتیر ی این نوع دولت هاست ساختاری که اساسا سبب جدا شدن دولت از بدنه جامعه می شود و همین مساله در عرصه سیاست خارجی نیز نمود پیدا می کند. با این حال شاید بتوان گفت استقلال عمل دولت های رانتیر انقلابی در مقایسه با دولت های رانتیر محافظه کار، نمود بیشتری پیدا می کند و شاید خصلت شدیدتری را داشته باشد. علت این است که دولت های انقلابی اساسا رویکردهای واگرانه و تجدید نظر طلبانه در عرصه سیاست خارجی دنبال می کنند و به همین علت بخش عمده ای از منابع و انرژی خود را از دست می دهند در حالیکه دولت های رانتیر از نوع محافظه کار عموما خارجی، رویکردی منفعلانه تر و بیشتر مبتنی بر پذیرش معضلات منطقه ای و جهانی موجود دارند. شاید بتوان گفت سیاست خارجی در نزد این دولت ها همانند دولت های رانتیر انقلابی از اولویت تام برخوردار نیست.

مراجع

- باربر، جیمز؛ مایکل اسمیت (۱۳۸۸) ماهیت سیاست‌گذاری خارجی در دنیای وابستگی متقابل کشورها، ترجمه حسین سیف زاده، انتشارات آگاه، تهران.
- وحیدفام، محمد (۱۳۸۲) دولت و دموکراسی، تهران، روزنه، چاپ اول.
- شکاری، عبدالقیوم (۱۳۷۹) نظریه‌ی دولت تحصیل دار و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۶) دولت رانتیر یک بررسی مفهومی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌ی ۱۲۵ و ۱۲۶.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۷) استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، زمستان ۱۳۷۷، شماره ۲.
- خضری، محمد (۱۳۸۱) رانت رانت‌جویی هزینه‌های اجتماعی، گزارش تحقیقاتی پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، شماره‌ی ۸۱.
- فاتح، مصطفی (۱۳۳۵) پنجاه سال نفت ایران، انتشارات شرکت سهامی چهر، تهران
- نصیری، قدیر (۱۳۸۰) نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- میرترابی، سعید (۱۳۸۴) سیر تحول نظریه دولت رانتی، نشریه دانشنامه، پاییز ۱۳۸۸
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲) موانع توسعه‌ی سیاسی در ایران، تهران، گام نو، چاپ چهارم.
- طبیبیان، محمد (۱۳۷۱) رانت اقتصادی به‌عنوان یک مانع اقتصادی، برنامه و توسعه، زمستان ۱۳۷۱، شماره‌ی ۴.
- غفاری، مسعود؛ حسین صادقی سقدل، هادی باشد چه‌رمی (۱۳۹۸) تأثیر دولت رانتیر بر فرایند خصوصی سازی؛ مطالعه موردی: ایران بعد از انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۹۷)، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۹، شماره ۳۰.
- کارشناس، مسعود (۱۳۸۲) نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران، ترجمه یوسف حاجی‌عبدالوهاب و علی اصغر سعیدی. تهران: گام نو
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۴) اقتصاد سیاسی کشورهای صادرکننده نفت، ترجمه‌ی علی‌رضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۴، شماره ۹۵ و ۹۶.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۸۶) اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، پاپیروس، چاپ اول.
- کردزاده کرمانی، محمد (۱۳۸۰) اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول.
- Bahgat, G. (1998) "Oil Security in the New Millennium: Geo - Economy vs. Geo - Strategy", Strategic Review .
- Barro, R. J. (1999) "Determinants of Democracy". Journal of Political Economy. Vol. 107. No. S6
- Skocpol, Th. (1982) "Rentier State and Shia Islamic in the Iranian Revolution", Theory and Society, Vol 2. No.3.
- Pesaran, M.H. (1985) "Economic Development and Revolutionary Upheavals in Iran, in IRAN: A Revolution in Afshar, London, The Macmillan Press LT Turmoil", Edited by Haleh